چرا رفتند و چرا برمی‌گردند؟!

آنتن شبکه سه را به مدت دو ساعت در اختیار مهدی تاج قرار دادند تا وی بتواند به مظلوم‌نمایی و تبلیغ خود بپردازد و در نهایت در قبال پرونده ویلموتس و محکوم شدن فوتبال ایران و خسارت به بیت‌المال طلبکار نیزباشد.

آیا نباید به مردم واقعیت‌ها را گفت و زوایای تاریک پرونده ویلموتس و غرامت بیش‌از 186 میلیارد تومانی را روشن کرد؟ این‌که تاج بتواند بعد از آن‌همه افتضاح و حرف و حدیث و مطرح شدن به‌عنوان مسبب اصلی داخلی عقد قرارداد، نامزد ریاست فدراسیون بشود و تا دلش بخواهد در مقابل مردم به توجیه بپردازد و فریب مخاطبان را در دستور کار قرار دهد، سوال‌برانگیز نیست؟

آیا نباید این سؤال را از مسئولین و دستگاه‌های نظارتی پرسید که تاج به چه علتی از ریاست فدراسیون استعفا داد و حالا به چه دلیلی برای بدست آوردن دوباره آن کمر همت بسته‌است؟

با وضعیتی که بر فوتبال ما حاکم است و با کاندیداهایی با سوابق معلوم و رفوزه شده به‌نظر می‌رسد که این فوتبال رنگ آسایش و پیشرفت را به خود نمی‌بیند.

وقتی می‌گویند فوتبال ما دلال زده است و زمانی‌که ادعا می‌شود فساد در این رشته ورزشی به طرق و روش‌های مختلف ریشه دوانیده‌است انتظار برای روی کار آمدن مدیران سالم و برخوردار از یکسری ویژگی‌های مطلوب، بیهوده خواهد بود.

تاج در مقابل دوربین‌های تلویزیونی با زرنگی خاص خودش تلاش می‌کند وزیر ورزش دولت تدبیر و امید را در انتخاب ویلموتس متهم ردیف اول معرفی کند و خود و دوستانش در فدراسیون را تبرئه نماید.

تاج و دوستان و مدیران نخبه‌اش که هر وقت به سدی بر می‌خوردند اساسنامه و دخالت دولت در امور فدراسیون را پیش می‌کشیدند در آن مقطع چرا در قبال این رفتار وزیر وقت سکوت کردند و زیپ دهان و زبان شیرین‌شان را محکم کشیدند و مردم را در جریان اعمال نظر وزیر قرار ندادند و حالا چگونه به حرف درمی‌آید و به کمک برخی‌ها که حتماً دراین‌میان صاحب نفع‌اند از بزرگ‌ترین پرونده خسارت به بیت‌المال خود را تبرئه می‌کند.

اوضاع واحوال حاکم نشان می‌دهد که تاج ها برمی‌گردند و شبکه قبلی در استان‌ها و سایر ارکان‌های فدراسیون را تقویت می‌کنند و تا یک حمله قلبی دیگر قدرت‌نمائی می‌نمایند.

گرگ‌های باران دیده عرصه فوتبال همه راه ها را رفته‌اند و به‌خوبی می‌دانند که در چه مقاطعی چه تصمیمی بگیرند و چه اقدامی بکنند. لمپن های باجگیر در کمین‌اند که زمینه را برای بازگشت افراد امتحان داده و سخت رفوزه شده هموار نمایند.

آن‌ها هدفی جز فدا کردن مصالح عمومی در پای منافع باندی و شخصی ندارند. جولان چندباره افرادی که در مقاطع مختلف از بودن در فوتبال نمره قبولی نگرفته‌اند پایه‌های اعتماد مردم را سست و لرزان می‌کند. امیدواریم که دستگاه‌های نظارتی و مسئولین مربوطه اجازه افزایش ضریب این بی اعتمادی را ندهند.